Al-Mustafa International University

Discourse of History

Homepage: https://skh.journals.miu.ac.ir

Print ISSN: 2383-1944
Online ISSN: 2783-235X

Administrative Developments and Civil Programs of the Almohad State during the Reign of Abū Yūsuf al-Manṣūr (580–595 AH / 1184–1198 CE)

Mohammad Hasan Behnamfar

1.Ma'aref Department, Esfarayen Institute of Higher Education, North Khorasan, Iran.
E-mail: mohamadbehnamfar@yahoo.com

Article Info

Article type:
Research Article

Article history:
Received 2024-02-29
Received in revised form 2024-04-09
Accepted 2024-04-25
Available online 15 June 2026

Keywords:
Almohads (al-Muwaḥḥidūn),
Abū Yūsuf al-Manṣūr,
Maghreb,
AdministrativeOrganization,
Civil (Developmental) Programs.

ABSTRACT

Among the influential Berber states in the Islamic Maghreb were the Almohads (al-Muwaḥḥidūn), who, after consolidating their power in the sixth century AH, succeeded in establishing sovereignty over the Maghreb and Andalus (Islamic Spain). The flourishing of the political system and the continuity of Almohad authority during the period of power consolidation were shaped through a process of planning, development, and measures in which Abū Yūsuf al-Manṣūr (580–595 AH / 1184–1198 CE) played a significant role in administrative transformations. He demonstrated considerable activity in administering this territory through the management and reorganization of the bureaucratic (dīwānī) apparatus, as well as through attention to industry and innovation. From the perspective of this research, what is of particular importance are the administrative developments and civil (developmental) programs of the Almohad state during the reign of al-Manṣūr—matters that contributed not only to cultural flourishing and social welfare in the Maghreb but also in Andalus. Employing a descriptive-analytical approach and with an emphasis on primary sources, this study seeks to address the following questions: What transformations did the administrative and civil structure of the Almohad state undergo during the era of al-Manṣūr following the consolidation of political power? And upon what policies did al-Manṣūr rely in order to achieve such flourishing? The findings of the research indicate that al-Manṣūr, through the adoption of appropriate measures and policies, introduced a form of transformation in the Almohad administrative structure and brought the civil (developmental) system to its zenith.

Cite this article: Behnamfar, Mohammad Hasan. (2026). Administrative Developments and Civil Programs of the Almohad State during the Reign of Abū Yūsuf al-Manṣūr (580–595 AH / 1184–1198 CE)). *Discourse of History*, *20* (53), 76-100.

https://doi.org/ 10.22034/SKH.2024.15403.1387

© The Author(s). Publisher: Al-Mustafa International University.
DOI: https://doi.org/ 10.22034/SKH.2024.15403.1387

سخن تاریخ
شاپا چاپی: ۱۹۴۴-۲۳۸۳
شاپا الکترونیکی: ۲۳۵X-۲۷۸۳
Homepage: https://skh.journals.miu.ac.ir

تحولات اداری و برنامه‌های عمرانی دولت موحدون در دوره‌ی ابویوسف منصور (۵۸۰ – ۵۹۵ هـ/ ۱۱۸۴ – ۱۱۹۸ م)

محمدحسن بهنام‌فر [۱]

[۱] .گروه معارف مجتمع آموزش عالی اسفراین، خراسان شمالی، ایران. رایانامه: mohamadbehnamfar@yahoo.com

اطلاعات مقاله

نوع مقاله:
علمی – پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۱۰
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۱/۲۰
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۰۶
تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۳/۲۵

کلیدواژه‌ها:
موحدون،
ابویوسف منصور،
مغرب،
تشکیلات اداری،
برنامه‌های عمرانی.

چکیده

یکی از دولت‌های تاثیرگذار بربر در مغرب اسلامی، موحدون بودند که موفق شدند پس از تثبیت قدرت در قرن ششم هجری بر مغرب و اندلس حاکمیت یابند. شکوفایی نظام سیاسی و استمرار اقتدار موحدون، در دوران تثبیت قدرت طی فرایندی از برنامه‌ریزی، توسعه و تدابیری شکل گرفت که ابویوسف منصور (۵۸۰ – ۵۹۵ هـ/۱۱۸۴ – ۱۱۹۸ م) نقش مهمی در تحولات اداری ایفا کرد. او برای اداره‌ی این سرزمین با مدیریت و ساماندهی تشکیلات دیوانی، توجه به صنعت و نوآوری، فعالیت بسیار از خود نشان داد. بر این اساس آن‌چه از منظر این پژوهش اهمیت دارد؛ تحولات اداری و برنامه‌های عمرانی دولت موحدون در دوره‌ی ابویوسف منصور است. مساله‌ای که باعث شکوفایی فرهنگی و رفاه اجتماعی نه تنها در مغرب، بلکه در اندلس گردید. این پژوهش با رویکردی توصیفی – تحلیلی و با تاکید بر منابع تلاش دارد، به این پرسش پاسخ دهد که ساختار اداری و عمرانی دولت موحدون در دوران ابویوسف منصور و پس از استقرار قدرت سیاسی، دچار چه تحولاتی گشت؟ هم‌چنین منصور با اتکا به چه سیاست‌هایی موفق به شکوفایی آن گشت؟ یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که منصور با اتخاذ تدابیر و سیاست‌های مناسب، نوعی تحول در ساختار اداری موحدون ایجاد و نظام عمرانی را به اوج رساند.

استناد: بهنام فر، محمد حسن (۱۴۰۵). تحولات اداری و برنامه‌های عمرانی دولت موحدون در دوره‌ی ابویوسف منصور (۵۸۰ – ۵۹۵ هـ/ ۱۱۸۴ – ۱۱۹۸ م). *سخن تاریخ*، ۲۰ (۵۳)، ۱۰۰-۷۶. https://doi.org/10.22034/SKH.2024.15403.1387

ناشر: جامعهٔ المصطفی (ص) العالمیه. © نویسنده.

مقدمه

موحدون (۵۱۵ - ۶۶۷ ق/ ۱۱۲۲ - ۱۲۶۹ م)، به‌عنوان یکی از دولت‌های تاثیرگذار بربر در قرن ششم هجری نقشی مهم در تحولات سیاسی و تمدنی غرب جهان اسلام داشته‌اند. آن‌ها با طرح گفتمان جدیدی که تاکید بر اندیشه مهدویت و استمداد از سنت‌های قبیله‌ای داشت، موفق شدند در مغرب و اندلس حاکمیت یابند. اگر دوره‌ی موحدون را به دو دوره‌ی نهضت و نظام تقسیم کنیم، بدون شک، شکوفایی نظام سیاسی – تمدنی و استمرار اقتدار موحدون در دوره‌ی دوم، طی فرایندی از برنامه‌ریزی، توسعه و تدابیر امیران این دولت شکل گرفت. دوره‌ی نهضت که هسته‌ی اولیه جنبش موحدون به وجود آمد، شامل تلاش‌های ابن تومرت (۵۱۵ - ۵۲۴ ق/ ۱۱۲۱ - ۱۱۳۰ م) برای ساماندهی جنبش، ادعای مهدویت، مبارزه با دولت مرابطون (۴۳۱ - ۵۴۲ ق/ ۱۰۴۰ م - ۱۱۴۷ م) و همراهی قبایل مختلف بربر محسوب گشت که تا روی کار آمدن عبدالمومن بن علی (۵۲۴ – ۵۵۸ هـ/ ۱۱۳۰ - ۱۱۶۳ م)، ادامه یافت. جنبش موحدون پس از ابن تومرت همانند نهالی نوپا ضرورت داشت که تبدیل به درختی تنومند شود و این دگردیسی ساختار جنبش موحدون به نظام حکومتی، بزرگ‌ترین و مهم‌ترین اقدامی بود که ابویوسف یعقوب منصور (۵۸۰ - ۵۹۵ هـ/ ۱۱۸۴ - ۱۱۹۸ م)، موفق به انجام آن شد. ابویوسف یعقوب منصور را باید یکی از شخصیت‌های تاثیرگذار مغرب اسلامی و اندلس به شمار آورد. منصور در یکی از مقاطع حساس دولت موحدون به قدرت دست یافت و موفق شد تحولات اداری و برنامه‌های عمرانی در دولت موحدون به انجام برساند و دامنه‌های سرزمین را از اندلس تا وادی درعه در جنوب مغرب و اقیانوس اطلس تا حوزه‌های طرابلس و مدیترانه گستراند. یکی از بهترین پیروزی‌های دولت‌های اسلامی در تقابل با مسیحیان توسط منصور و در نبرد آلارک،[1] اتفاق افتاد که در جریان آن، به ائتلاف مسیحی شکست سختی وارد آمد (ابن خطیب، ۱۹۵۶: ۲۶۹) در جریان نبرد آلارک، متحدان مسیحی به اختلاف افتاده و بر شکوه و جلال مسلمانان افزوده گشت (مقری، ۱۹۶۸، ۱: ۴۹۳). منصور با گسترش حاکمیت سرزمینی تدابیری اندیشید که اداره ایالت‌های دولت در مغرب و اندلس به خوبی انجام داد و حتی مناسبات تجاری نیز برقرار کرد.

بر این اساس، آن‌چه از منظر این پژوهش اهمیت دارد؛ تحولات اداری و تشکیلات دیوانی موحدون در دوره‌ی ابویوسف منصور و بررسی برنامه‌های عمرانی در این دوره است. مساله‌ی اصلی آن است که سیاست‌های اداری موحدون در دوران شکوفایی و پس از استقرار قدرت

[1] Alarac

سیاسی، دچار چه تحولاتی گشت؟ و هم‌چنین منصور موحدی به‌عنوان یکی از معروف‌ترین خلفای اسلامی در مغرب چه برنامه‌هایی برای شکوفایی ساختار اداری دولت موحدون و استقرار قدرت سیاسی در مغرب و اندلس اتخاذ کرد؟ با بررسی منابع چنین به نظر می‌رسد تحولات اداری موحدون در دوره‌ی منصور از مرحله‌ی نهضت به نظام رقم خورده و با تدابیر و برنامه‌ریزی منظم، اقتدار خود را تثبیت کردند. این امر با اتخاذ تصمیم‌گیری‌های مهم رقم خورد که ابویوسف منصور موفق به آن گشت. دوران حکومت او یکی از درخشان‌ترین اعصار تاریخ مغرب در سده‌های میانه‌ی اسلامی به‌شمار می‌آید.

۱. پیشینه‌ی پژوهش

در خصوص موضوع پژوهش و دوره‌ی منصور موحدی به زبان فارسی تحقیق مستقلی صورت نگرفته است. بخشی از آثار که به تاریخ مغرب اسلامی پرداخته‌اند، در میانه‌ی مطالب، تنها به حوادث مهم دوره‌ی منصور اکتفا کرده و به‌طور خاص به تحولات و چالش‌های آن نپرداخته‌اند. از آن جمله می‌توان به کتاب «مقدمه‌ای بر تاریخ مغرب اسلامی» عبدالله ناصری طاهری (ناصری طاهری، ۱۳۸۸: ۹۰ - ۹۳) و کتاب «تاریخ مغرب اسلامی (از فتح مسلمانان تا سلطه عثمانی)» عباس برومند اعلم (برومند اعلم، ۱۴۰۰: ۱۳۵ - ۱۳۹) اشاره کرد. هم‌چنین جلد دوم کتاب «تاریخ و تمدن مغرب» اثر حسین مونس که به فارسی ترجمه شده، در بخش موحدون، به تمجید منصور پرداخته و وقایع دوران او را شرح داده است (مونس، ۱۳۸۴، ۲: ۳۳۲ - ۳۴۱). در اثر محمد عبدالله عنان مطالب ارزش‌مندی از روند استقرار قدرت و تحولات دولت موحدون در دوره‌ی منصور دیده می‌شود و مطالبی در خصوص تحولات اداری آن‌ها دارد (عنان، ۱۳۶۹، ۴: ۱۰۷ - ۱۸۶). یکی از معدود کتاب‌هایی که به فارسی ترجمه شده و به موضوع موحدون پرداخته، اثر عزالدین عمر موسی «دولت موحدون در غرب جهان اسلام؛ تشکیلات و سازمان‌ها» است که اشاراتی به تحولات مختلف دوره‌ی منصور دارد (عمر موسی، ۱۳۸۱: ۱۹۵ - ۲۶۲). علی‌رغم این‌که تحقیقات فارسی بیش‌تر بر دوره‌ی اول موحدون؛ یعنی، نهضت و ابن تومرت تمرکز یافته است؛ اما در میان تحقیقات دیگران در دوران نظام و تثبیت قدرت موحدون آثار و تحقیقات ارزش‌مندی می‌توان مشاهده کرد: منونی در کتاب «العلوم و الآداب و الفنون علی عهد الموحدین» به جنبه‌های متعدد تمدنی دولت موحدون پرداخته و در میانه‌ی مطالب اشاراتی به دوره‌ی منصور هم داشته است. رساله‌ی دکتری لیلی احمد نجار با عنوان: «المغرب والأندلس في عصر المنصور الموحدي دراسه تاریخیه و حضاریه (۵۸۰ - ۵۹۵ هـ/ ۱۱۸۴ - ۱۱۹۸ م)» توسط دانشگاه ام‌القری در مکه‌ی

مکرمه به‌صورت کتاب سال ۱۴۰۹/ ۱۹۸۹ آماده شده و فایل (P.D.F) پی دی اف آن، مورد استفاده قرار گرفت. محمد رشید ملین در کتاب «عصر المنصور الموحدی «حیاة السیاسیة و الفکریة و الدینیة فی المغرب»، به جنبه‌های مختلف دولت موحدون در دوره‌ی منصور پرداخته است.

۲. سازمان و تشکیلات اداری موحدون

هسته‌ی اولیه‌ی جنبش موحدون به‌عنوان یک جریان و گروه تشکیلاتی شناخته می‌شد که در برابر مرابطون با ایدئولوژی جدیدی مطرح گشت. بر همین اساس ابن تومرت عنوان «موحدون» را برای پیروان خود برگزید، که با این روش حمله‌ای به مرابطون داشته باشد و آنان را به کفر و خروج بر دین متهم ساخته و اظهار کند، که تنها پیروان او مسلمان موحّد هستند (مونس، پیشین، ۲: ۲۹۷). از آن‌جا که جنبش موحدون، جنبه‌ی دینی داشت، در ابتدا فضای حاکم بر تشکیلات موحدون نیز متاثر از آن بوده است. به‌خصوص در جلساتی که مهدی حضور داشت با مناسک و مراسم نیز همراه بود (Lévi-Provençal, 1928: 116 - 117). در دوره‌ی نهضت، عنصر اصلی جنبش، مفهوم توحید بود که بدنه‌ی اصلی جنبش موحدون را قبایل «مصموده» که اولین حامیان جنبش و به تعبیر مراکشی، «قبایل موحدون» (مراکشی، ۱۳۹۰: ۲۲۸) شامل می‌شد. این مجموعه از قبایل هِرغة، کِدمیوة، کُنفیسة، قبایل اهل تِینمَل و هِنتاتة بودند (بیذق، ۱۹۸۰: ۳۷ - ۴۰). این قبایل رفته رفته در احزابی ترکیب یافته و تشکیلات و سازمان‌های ابتدایی جنبش موحدون را شکل دادند که پس از بیعت با ابن تومرت در مهدیة (مراکشی، پیشین: ۱۸۸؛ ابن قطان، ۱۹۹۰: ۲۸) با گروه‌هایی چون «اهل جماعت یا اهل عشره»، «اهل خمسین»، «اهل سبعین» و«طلبة» شناخته می‌شد (ابن قطان: همان: ۷۶؛ الحلل الموشیة، ۱۹۷۹: ۸۸). بدین سان مهدی توانست نظمی سلسله‌وار و با برنامه‌ای در بخش‌های مختلف ایجاد و وظایف هر کدام از اعضای آن را معین کند؛ بدین‌گونه که اهل جماعت را برای نظارت بر اجرا، اهل خمسین، سبعین را برای مشورت و طلبه‌ها را برای دعوت و تبلیغ تعیین کرده بود و همه‌ی آن‌ها در کل از مهدی فرمان‌برداری می‌کردند (ابن قطان، پیشین: ۸۱).

تشکیلات اداری در دوره‌ی نظام شکل واقعی به خود گرفت که در واقع همان مرحله‌ی استقرار دولت بوده است و طبیعی بود، که تشکیلات موحدون شاهد دگرگونی و تغییر در ساختار سازمانی و مسؤولیت‌های نهادهای آن باشد. در دوره‌ی نظام، احزاب و قبایل گسترده و منظم‌تر از قبل شده بود. علاوه بر قبایل مصمودی، از قبیله‌های دیگر و هم‌چنین پس از پیروزی بر

مرابطون، زناتیان نیز به موحدون ملحق شدند (مراکشی، پیشین: ۲۲۹)، افرادی چون ابن خیار جیانی، ابراهیم بن بزاز مسوفی، زرای ابن ماخوخ زُناتی، یوسف بن مَردنیش، ابن هَمشَک و ابن عَزون وظایف اداری را بر عهده گرفتند (پرونسال، ۱۹۴۱: ۹۸؛ ابن صاحب الصلاة، ۱۹۶۴: ۱۳۹). روشن است که همه‌ی آن‌ها قبل از دولت موحدون از جایگاه بالایی در جامعه‌ی خود برخوردار بودند. پس حضور آن‌ها در تشکیلات اداری، گاهی به‌منظور برقراری وحدت و یک‌پارچگی و گاهی برای استفاده از تجربیات آنان بود. اختصاصی کردن مسؤولیت‌ها و وظائف، سیاست عمده‌ی خلیفه عبدالمومن (۵۲۴ - ۵۵۸ هـ/ ۱۱۳۰ - ۱۱۶۳ م)، را تشکیل می‌داد. بر این اساس، عبدالمومن مدرسه‌ای برای حافظان برای تربیت متخصصان در امور اداری، مسؤولان اداری و فرماندهان بزرگی که در علم و دانش معروف بودند، تاسیس کرد (عمر موسی، پیشین: ۱۰۱). تحول مهم و اساسی نظام اداری موحدون در دوره‌ی خلیفه منصور رقم خورد؛ او مدتی ولی‌عهد حکومت در روزگار پدرش بود و به‌خوبی به مسایل اشراف پیدا کرده و به احوال کارگزاران، قاضیان و مردم آگاهی داشت. دولت موحدون نیاز به تحول در حوزه‌ی تشکیلات اداری داشت و با توجه به گستردگی حکومت موحدون در مغرب و اندلس، کار برای منصور سخت شده بود، بدین منظور او با برنامه‌ریزی دقیق و تدابیر مختلف، حاکمیت خویش را تثبیت و دولت موحدون را در عرصه‌ی اقدامات عمرانی به اوج رساند.

۱/۲. ساماندهی تشکیلات اداری

۱.۱.۲. شایسته‌سالاری و توجه به نخبگان

تحول نظام اداری موحدون در دوره‌ی منصور توسط هیئت مشاورانی صورت گرفت که متشکل از افرادی چون ابوالولید قشندی (ابن سعید، ۲۰۱۵، ۱: ۲۱۹). ابوبکر بن الجد و قاضی ابوعبدالله بن الصقر (سلاوی، ۱۹۵۴، ۲: ۲۰۱) ابوالحسن علی بن سعد الخیر (ابن سعید، ۱۹۸۷: ۲۰۸) ابوجعفر احمد بن عتیق ذهبی (ابن الابار، ۱۴۱۵، ۱: ۸۵) و چهره‌های علمی دیگری بودند (سلاوی، ۱۹۵۴، ۲: ۲۰۱). منصور افراد شایسته را برای بخش‌های زیر در نظر گرفت؛

الف. وزارت: موحدون به وزیر حاجب هم می‌گفتند (ابن ابی‌زرع، ۱۹۹۹: ۱۳۵؛ ابن عذاری، ۱۹۶۰، ۳: ۱۴۰) و بنا به اظهار ابن خلدون این عنوان تحت تاثیر قرطبه بوده است (ابن خلدون، ۱۹۵۹: ۴۳۰). وظایف وزیر عبارت از؛ رساندن اوامر خلیفه به دست‌اندرکاران و نظارت بر اجرای آن (ابن صاحب الصلاة، پیشین: ۴۱۰)، نظارت بر اجرای تصمیمات نظامی (ابن عذاری، پیشین، ۳: ۱۱۴)، سرکوبی شورش‌ها و ناآرامی‌ها (مراکشی، پیشین: ۲۱۵)، برگزاری مراسم رسمی و تنظیم

ملاقات‌های خلیفه (ابن صاحب الصلاة، پیشین: ۴۳۰) و حضور در مجالس علمی (مراکشی، پیشین: ۲۵۵) بود. وزیران منصور به ترتیب؛ ابوحفص عمر بن ابی‌زید هنتانی، ابویحیی ابوبکر بن عبدالله بن ابی حفص، ابوعبدالله محمد بن ابی‌بکر و سرانجام ابوزید عبدالرحمن بن موسی بن یوجان هنتانی بودند (همان: ۱۸۰) در دوره‌ی موحدون هم‌چنین ریاست دیوان‌های مالی بر عهده‌ی وزیر بود (ابن صاحب الصلاة، پیشین: ۱۷۹؛ تیجانی، ۱۹۵۸: ۳۴۶) تغییری که منصور در ساختار نهاد وزارت انجام داد این بود، که ریاست دیوان‌های مالی را که تا قبل از این با وزیر بود، به شخص متخصص در این امر سپرد (عمر موسی، پیشین: ۱۴۵).

ب. قضاوت: از جمله جایگاه‌های مهم در نظام اداری حکومت‌های اسلامی نهاد قضاوت بوده است. در حکومت موحدون نیز، منصب قضاوت اهمیت بسزایی پیدا کرد. در دوره‌ی نهضت و به دستور ابن تومرت، اسماعیل هزرجی یکی از ده تن «اهل جماعت» به کار قضاوت میان مردم پرداخت (بیذق، پیشین: ۳۳). در دوره‌ی نظام و تثبیت دولت موحدون، خلفا جایگاه قضاوت را بر عهده‌ی فقیهانی از میان «طلبه» می‌گذاشتند (ابن فرهون، ۱۳۵۱: ۴۸). خلیفه به‌عنوان قوه‌ی عالی قضایی به شمار می‌رفت که عموما این امر خطیر را به قاضی با تجربه‌ای واگذار می‌کرد. در این دوره خلیفه خود شخصا روزهای معّینی را برای شکایت‌ها و تظلم‌خواهی اختصاص داد (مراکشی، پیشین: ۱۹۴). در انتخاب قاضیان دقت بسیار به خرج می‌داد و اگر کسی صلاحیت نداشت، انتخاب آن را به ملت واگذار می‌کرد که فردی را قبول داشتند برای حفظ حقوق خود تعیین کنند (ملین، ۱۴۱۶: ۱۰۲). نظارت بر کار قضات در ایالت مراکش و تعیین قضاوت مناطق مختلف بر عهده قاضی جماعت بود(ابن زیات، ۱۹۵۸: ۷۹) قاضی هر ایالت قاضیان شهرهای کوچکی را نیز، که جزء ایالت وی بودند، انتخاب می‌کرد، در مواردی نادر نیز خلفا در کار انتخاب قاضیان شهرهای کوچک دخالت کرده‌اند (ابن زبیر، ۱۹۳۷: ۱۰۹). قاضی جماعت گاهی از سوی خلیفه مکلّف به تصمیم‌گیری در شکایت‌ها و اجرای حدود می‌شد (ابن صاحب الصلاة، پیشین: ۴۲۰). منصور به قاضی خود فرمان داد که در جایی بنشیند، که بتواند احکام صادره از سوی وی را بشنود (مراکشی، پیشین: ۱۹۴). عدم وابستگی قاضیان به والیان در ایالت‌ها باعث حفظ هیبت آنان و انجام دادن کارهای شان بدون هیچ ترسی می‌گردید. منصور همواره به والیان خود سفارش می‌کرد که به رأی قاضیان رجوع کنند (ابن ابی‌زرع، پیشین: ۱۴۳).

نامه‌های عصر موحدون بیان‌گر آن است که اموری چون قتل، دیه، قصاص، بردگان و مشکلات ازدواج و معاملات از اختیارات مرکز خلافت بوده که این قضایا می‌بایست پس از شرح جزئیات و ذکر دلایل، شاهدان عادل و نوشتن اظهارات مظنونین به آن‌جا فرستاده شود، گاهی

اتفاق افتاده بود، که خلیفه به یکی از قاضیان مراکز ایالت‌ها اجازه بررسی موضوعی را می‌داد؛ مانند تصمیم منصور در مورد ابن الفرس قاضی غرناطه (ابن زبیر، پیشین: ۱۹). شغل قضاوت در عصر موحدون به پاکی و صداقت و پیگیری عدل و شدت عمل و استواری در حق معروف است (ابن فرهون، پیشین: ۵۴). در مواردی بعضی از قضات از گرفتن حقوق ماهانه سرباز زده‌اند و این اموال را دیگران صرف صدقات کرده‌اند (غبرینی، ۱۳۲۸: ۱۴۵). رأی دادن به شکایت‌ها و تظلم‌خواهی‌ها از وظایف خلیفه بوده است. از زمان خلافت منصور، خلیفه روزهای معینی را بدین منظور اختصاص می‌داد و مردم برای طرح شکایت‌های خود به مرکز خلافت می‌آمدند. چون با منصور بیعت شد، قاضی القضات ابومحمد عبدالحق اشبیلی بود (زرکشی، ۱۳۸۶: ۱۵) سپس ابوجعفر احمد بن مضاء (حمیری، ۱۹۸۰: ۵۷۹)، ابوعبدالله محمد بن علی بن مروان و ابوالقاسم احمد بن محمد (مراکشی، پیشین: ۱۸۱) بر این امر مسؤولیت یافتند. علاوه بر این در ایالت‌ها نیز، قاضیان حضور داشتند (ابن صاحب الصلاة، پیشین: ۴۲۰) چنان‌چه منصور، احمد بن ابی‌الحسن قیسی، را بر قضاوت والنسیا،[1] گماشت و هم‌چنین عالم هبةالله بن الحسین المصری را بر منطقه افریقیه منصوب و قضاوت فاس[2] را به محمد بن عبدالله بن طاهر سپرد (مراکشی، پیشین: ۱۸۱). منصور هم‌چنین قضاوت اشبیلیه،[3] قرطبه،[4] مرسیه،[5] سبته،[6] سلا[7] و میورقه[8] را به عبدالله به سلیمان بن داوود واگذار کرد (ابن خطیب، ۱۴۲۴، ۳: ۳۱۸). خلیفه منصور در انتخاب قضات دقت بسیار داشت، تا بر اساس صلاحیت آن‌ها و اجرای عدالت باشد. در صورتی‌که فردی صلاحیت قضاوت را نداشت، در اختیار خود ملت واگذار می‌شد، تا فردی که قبول داشتند، تعیین کنند (ملین، پیشین: ۱۰۲).

ج. اداره ایالات: ایالت‌های حکومت موحدون در زمان شکوفایی، شامل سوس، سجلماسه، مراکش، فاس، سلا، سبته، تلمسان، بجایه و افریقیه، مالقه، ایالت غرب، اشبیلیه، قرطبه، غرناطه، مرسیه و والنسیا بوده است. این تقسیم‌بندی اداری از دوره‌های قبل وجود داشت؛ اما

---

[1] València

[2] Fez or Fes

[3] Sevilla

[4] Córdoba

[5] Murcia

[6] Ceuta

[7] Salé

[8] Mallorca

به‌منظور ساماندهی بیش‌تر مسایل اداری و دیوانی در دوره‌ی منصور به این سرزمین‌ها توجه ویژه‌ای صورت گرفت. در دوره‌ی موحدون ایالت «سلا» اهمیت خاصی یافت؛ چرا که یکی از قلعه‌های مهم موحدون؛ یعنی، قلعه‌ی رباط فتح در این منطقه ساخته و در دوره‌ی منصور به پایان رسید (ابن صاحب الصلاة، پیشین: ۴۴۹) و سپاهیان موحدون از همین قلعه برای نبرد به سمت افریقیه یا اندلس گسیل می‌شدند. هریک از ایالت‌ها به بخش‌های اداری کوچک‌تری تقسیم می‌شد، که در هر بخش یک‌نفر به‌نام «حافظ» قرار داشت (ابن عذاری، پیشین، ۳: ۱۱۹) مرکز حکومت موحدون از سال ۵۴۱ هـ/ ۱۱۴۷ م، مراکش بود و در کنار آن، اشبیلیه نیز، پایتخت موحدون در اندلس شناخته می‌شد و والی اشبیلیه مکلف به نظارت بر بقیه‌ی والیان اندلس می‌شد (ابن خلدون، ۱۴۰۸، (ب)، ۶: ۴۸۸): مانند درخواست برای بیعت با خلیفه جدید (ابن صاحب الصلاة، پیشین: ۳۳۸). در جریان حمله‌ی منصور موحدی به شلب در سال ۵۸۷ هـ، در اثنای کار و زار از اشبیلیه برای وی کمک‌های تدارکاتی فرستاده و در مسیر بازگشت به اشبیلیه وارد گشت و در آن‌جا مستقر شد (ابن عذاری، پیشین، ۳: ۱۷۹، ۱۸۰). اشبیلیه از چند جهت برای موحدون اهمیت داشت؛ ابتدا این‌که نخستین پایگاهی بود که در اندلس تحت لوای «توحید» قرار گرفت (ابن خلدون، پیشین، (ب)، ۶: ۵۹۲) دیگر این‌که از قشتاله[1] دور بود و این فرصت را می‌داد که موحدون بتوانند، از آن به‌عنوان یک مرکز برای تقابل با مسیحیان استفاده کنند. نکته آخر این‌که اشبیلیه به واسطه داشتن رودخانه مهمی که به دریا راه داشت، هم جایگاه استراتژیک پیدا کرد و هم به سبب کشاورزی برای سپاهیان موحدی آذوقه فراهم می‌کرد (عمر موسی، پیشین: ۱۶۴). خلفای موحدی برای ایالت‌ها افراد زبده‌ای انتخاب می‌کردند، که به آنان والی اطلاق می‌شد. والی موظف بود از شورش‌های داخلی جلوگیری و مراقب تهدیدهای خارجی باشد و در صورت نیاز به ایالت مجاور خود کمک نظامی کند (ابن صاحب الصلاة، پیشین: ۳۹۸). هم‌چنین در صورت حضور خلیفه همراه او بوده و امکانات رزمی و تدارکاتی خود را در اختیار وی بگذارد (ابن عذاری، پیشین، ۳: ۱۴۲) والی گاه با کشورهای مجاور وارد روابط بازرگانی و تجاری می‌شد و گاه نیز، به فعالت‌های عمرانی مانند ساختن کاخ، ایجاد باغ‌ها و بستان‌ها می‌پرداخت (ابن خلدون، پیشین، (ب)، ۶: ۵۲۰) خلفای دوران شکوفایی موحدون، دقت و نظارت فراوانی بر والیان داشتند تا آن‌جا که گاهی آن‌ها را به پایتخت احضار و از کارهای شان سوال می‌کردند (ابن عذاری، پیشین، ۳: ۱۱۲).

د. محتسب: حسبه به‌معنای نظارت بر بازار و معاملات و تلاش برای نظارت بر سلامت

[1] Castilla

کالاها و درست بودن ترازوها و پیمانه‌ها و لزوم مراعات شرع در این معاملات است. محتسب به‌عنوان پاسداشت شعایر دینی و هنجارهای اخلاقی با گسترش اسلام در سرزمین‌های مختلف کارکرد ویژه‌ای داشته و در حکومت‌هایی چون موحدون که با ساختار ایدئولوژیکی شروع به کار کرده، مورد توجه بوده است. از منابع موحدون چنین استنباط می‌شود که محتسب از میان فقیهان انتخاب می‌شد که احتمالا، قاضی او را انتخاب می‌کرده است (ابن زیات، ۱۹۵۸: ۹۰). مسؤولیت بازارهای مغرب در دوران شکوفایی موحدون به‌منظور جلوگیری از گران فروشی و تقلب، با محتسب بود که بازارها را به‌طور کامل کنترل و مدیریت می‌کرد (ونشریسی، ۱۹۸۱، ۱۰: ۷۷). محتسب باید با فقه و قوانین بازار برای امر و نهی آشنایی می‌داشت (سقطی، ۱۹۳۱: ۷) هم‌چنین با متخلفان سکه‌های جعلی و یا مخلوط شده با فلزهای کم ارزش برخورد می‌کرد (یحیی بن عمر، ۱۹۷۵: ۴۰). خلفای موحدون، به وظایف محتسب آگاه و با نظارت بر کارهای او، به بازارها نظم بخشیده بودند (شیزری، ۱۹۸۱: ۱۵) خلیفه منصور دستور داده بود، که هر ماه هیئت امنای بازارها از شهرهای مختلف به حضور او برسند و با آن‌ها و در مورد اوضاع بازار و شهرها و نرخ کالاها و رفتار والیان صحبت می‌کرد (مراکشی، پیشین: ۱۹۴) محتسبان نیز گروهی از دستیاران با تجربه و آگاه را برای انجام وظایف خود در بازار استخدام کرده بودند (سقطی، پیشین: ۳۳).

ابویوسف یعقوب هم‌چنین در سال ۵۹۲ هـ‌ق/ ۱۱۹۵ م، دستور به ساخت، ساماندهی و تنظیم مجدد بازارها و مغازه‌ها داد و برای مغازه‌های طلا فروشی درهای بزرگ و مستحکم ساختند (ابن صاحب الصلاة، ۱۹۸۷: ۳۹۶؛ سالم، ۱۹۸۶: ۲۱۸).

۲/۱/۲. تدابیر و سیاست‌های اداری ابویوسف یعقوب

منصور در آغاز خلافت خود به‌دنبال آن بود، از سنت خلفای اول پیروی کند؛ بدین منظور او همواره شخصا برای شنیدن شکایات مردم وقت می‌گذاشت و به حرف‌های شان گوش می‌داد. منصور از نماز صبح تا نزدیکی نماز عصر در مسجد جامع می‌نشست و به امور مردم رسیدگی می‌کرد (ابن عذاری، پیشین، ۳: ۱۷۲). خلیفه در آغاز فرومان‌روایی‌اش، مبالغی بیرون آورد و در میان خانواده‌های فقیر و ناتوان در سراسر مغرب تقسیم کرد و نیز فرمان داد همه‌ی زندانیان آزاد شوند (ابن ابی‌زرع، پیشین: ۱۴۳). در گزارشی آمده که زنی شاعر و ادیب از شهر شِلب (Silves) نزد او رفت و با شعری زیبا دادخواهی کرد[۱] که در آن از حاکمان و مسؤولان مالیاتی شکایت

[۱] قد آن أن تبکی العیون الآبِیهٔ و لقد أری أن الحجارهٔ باکیهٔ

داشت (اوسی، ۲۰۱۲، ۵: ۴۲۸). گفته شده که آن شعر را در نماز جمعه به خلیفه ابویوسف دادند و چون منصور از جریان آگاه شد، شاعر زن را به حضور فراخواند و رسیدگی کرد (مقری، پیشین، ۴: ۲۹۴). منصور به‌منظور تعامل مردم و دولت، ساختاری منسجم برای نظارت بر کارگزاران خود دایر کرد:

نظارت بر خدمت‌رسانی به مردم: منصور دستور داد متولیان بازار و بزرگان شهرها دو بار در ماه نزد او بروند تا از آن‌ها در مورد بازارها، قیمت‌ها و عاملان دولتی سؤال کند. همچنین اگر گروهی از جایی نزد او می آمدند، اولین چیزی که از آن‌ها سوال می‌کرد در خصوص کارگزاران، قاضیان و والیان بود. اگر ذکر خیر آن‌ها می‌شنید می‌گفت: کار کنید که روز قیامت در پیش‌گاه خدا باید پاسخ‌گو باشید جز سخن حق نگویید و سپس آیه‌ی ۱۳۵ سوره‌ی نساء[۱] را تلاوت می‌کرد (مونس، ۱۳۸۴، ۲: ۳۴۷). خلیفه منصور برای برقراری عدالت اجتماعی و اقتصادی اراده‌ی قوی داشت و همواره به آن تاکید می‌ورزید؛ هنگامی که در سال ۵۹۱ هـ، از نبرد آلارک بازگشت، از شیخ ابوبکر بن هانی از احوال کشور و احوال قاضیان، والیان و کارگزاران آن سؤال کرد (مراکشی، پیشین: ۱۹۴)؛ چرا که خلیفه بارها در مکاتبات با شیخ ابوبکر تأکید بر عدالت با رعیت و جلب رضایت آنان و احقاق حقوق داشت. ستم‌گران را از آن‌ها باز داشت، بلکه به مظلوم اجازه داد شکایت خود را برساند. بنابراین، شرایط کشور بهتر شد و مردم هم‌چنان برای او دعا می‌کردند (ابن عذاری، پیشین،

یا قاصدَ المِصر الذی یُرجَی بِه — إن قدَّر الّرحمنُ رفعَ کراهیهٔ

نادِ الإمامَ إذا وقَفتَ ببابِه: — یا راعیًا إنّ الرعیّهُ فانیهٔ

أرسلتَها هَمَلًا ولا مرعی لها — و ترکتَها نَهْبَ السّباع العافیه

شلبٌ کلا شلبٍ وکانت جَنّهٌ — فأعادها الطاعونُ نارًا حامیه

خافوا وما خافوا عقوبهَ ربِّهم — واللهُ لا تخفی علیه خافیه (اوسی، ۲۰۱۲، ۵: ۴۲۸)

وقت گریه چشمان مغرور فرا رسیده‌است و من دیده‌ام که سنگ‌ها گریه می‌کنند

ای خدای رحمان؛ مقدر روزگار که تنها امید به توست، که کینه‌ها از بین برود.

آن خلیفه که در بارگاهش ایستاده است، صدا کن که: ای شبان: گله در حال نابودی است.

(شرایط الان مانند آن است که) گله را به صحرا فرستادی و چراگاهی برایش نیست و برای غارت حیوانات وحشی رها کرده‌ای.

شلب (Silves سیلیوس در کشور پرتغال) که به زیبایی شهرت داشت، مانند ویرانه‌ای شده‌است که انگار طاعون زده و به آتش کشیده است.

آن‌ها از عذاب خداوند شان نترسیدند، در صورتی که ایشان فرموده است: هیچ امری از خداوند پنهان نیست (اشاره به آیه‌ی ۵ سوره‌ی آل عمران).

۱ یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا کُونُوا قَوّامینَ بِالْقِسْطِ شُهَداءَ لِلّهِ وَ لَوْ عَلی أَنْفُسِکُمْ أَوِ الْوالِدَیْنِ وَ الْأَقْرَبینَ إِنْ یَکُنْ غَنِیّاً أَوْ فَقیراً فَاللّهُ أَوْلی بِهِما فَلا تَتَّبِعُوا الْهَوی أَنْ تَعْدِلُوا وَ إِنْ تَلْوُوا أَوْ تُعْرِضُوا فَإِنَّ اللّهَ کانَ بِما تَعْمَلُونَ خَبیراً

۳: ۱۷۳). این نشان دهنده‌ی میزان علاقه‌ی خلیفه به مردم سرزمین خود و اهتمام او برای اجرای عدالت بود. منصور والیان و قاضیان ظالم را منزوی می‌کرد و از ادامه‌ی مسؤولیت آن‌ها باز می‌داشت، تا رضایت پابرجا بماند. هنگامی که منصور در راه جنگ با رومیان به اشبیلیه رسید، از احوال مردم با حاکمان شان پرسید. پس دستور داد ابن سنان را دست‌گیر و دارایی وی را مصادره کنند؛ چون به او اطلاع دادند که از تصرف قلعه‌ی منار امتناع کرده بود. هم‌چنین دستور داد از رفتارهای خلاف عرف و شرع در شهر اشبیلیه جلوگیری به عمل آید. این همان چیزی بود که حکایت از فساد ابن سنان و امتناع و فرار او در روز حمله داشت (همان: ۲۰۷).

منصور چون آگاه شد که ابوحفص ملقب به رشید والی مرسیه، در اندلس فضای خفقان ایجاد کرده؛ دارايي هاي مردم را مصادره می‌کرده است و زیر دستان را به ظلم می‌کشد، خلیفه دستور داد او را در حضور همه گردن بزنند (زرکلی، ۲۰۰۲، ۵: ۷۰). هم‌چنین زمانی که بر منصور ثابت شد ابوالعباس احمد بن یحیی العبدری شرب خمر داشته است، دستور داد به او حد بزنند و سپس او را به خانه‌اش فرستادند. تا زمانی که منصور زنده بود از حضور او در مجالس عمومی ممانعت به عمل می‌آمد (اوسی، پیشین، ۱: ۷۴۴). منصور هر جمعه به بیمارستان مراکش می‌رفت تا وضعیت بیماران را بررسی کند و از احوال کادر درمانی جویا شود. خلیفه این کار را تا پایان عمرش ادامه داد (مراکشی، پیشین: ۱۹۵).

اجرای عدالت: خلیفه منصور از سیاست قاطعی در نظارت بر بازارها و مبارزه با کلاهبرداری و تخلفات استفاده کرد؛ در سال ۵۹۲ هـ‌ق/ ۱۱۹۵ م، دستور به ساخت، ساماندهی و تنظیم مجدد بازارها و مغازه ها داد، هم‌چنین برای مغازه‌های طلا فروشی درهای بزرگ و مستحکم ساختند (ابن صاحب صلاة، ۱۹۸۷: ۳۹۶؛ سالم، پیشین: ۲۱۸). منصور در تمام ایام و دوران حکومتش در اجرای عدالت می‌کوشید و بر حسب توانایی و مقتضیات دستور می‌داد که عدالت برقرار باشد. عدم اجرای عدالت مساله‌ای بود که از زمان پدرش وجود و در ابتدای خلافت او نارضایتی‌هایی را در پی‌داشت (ابن خلکان، [بی‌تا]، ۷: ۱۱). خلیفه، به امور دین و روحانیون سخت اهتمام می‌ورزید و همواره سعی می‌کرد قاضیان خود را از بهترین‌ها انتخاب کند.

بزرگ‌ترین قاضی عصر او ابوالقاسم احمد بن محمد از فرزندان بقی بن مخلد قاضی مشهور اندلسی بود. منصور پشت دیواری چوبین می‌نشست و به قضاوت‌های این قاضی گوش می‌داد (مونس، پیشین، ۲: ۳۴۷). منصور همواره به قاضی اباعبدالله بن مروان توصیه می‌کرد که به زندان‌ها سر بزند و از زندانیان دل‌جویی کند. هم‌چنین از صدقات برای خرج آن‌ها در نظر گرفته شود. در گزارشی که از زندانی گرسنگی و سرما شده بود که شکایت آن به منصور رسید. خلیفه

پس از رسیدگی به امور دستور داد، قاضی را یک ماه، در خانه‌اش حبس کنند. او در سال ۵۹۲ هـ، از قضاوت اشبیلیه عزل شد و به جایش اباالقاسم بن بقی تا وفات منصور قاضی بود (اوسی، پیشین، ۵: ۲۳۷). هنگامی که عتیق بن علی بن حسن صنهاجی قضاوت جزیره خضرا را به دست گرفت، پس از شکایت بیش‌تر مردم جزیره از وی، از آن عزل و در انزوا زندگی گذراند (مکناسی، ۱۳۹۳: ۴۵۵). هم‌چنین منصور پس از این‌که متوجه شد کارگزارانش؛ ابوسلیمان و ابوعلی عمر بن ایوب از بیت‌المال برای خود برداشته‌اند، امارت سرزمین‌ها را از آن‌ها پس گرفت (ابن عذاری، ۱۹۶۰، ۳: ۲۲۶). از جمله اقدامات منصور، در مراکش، اختصاص محلی برای استقرار افراد ستم‌دیده و زنان بی‌پناه بود (حسن، ۱۹۸۰: ۳۵۷). در جریان فتح آلارک منصور دستور داد غنایم بین مسسلمانان به روش شرع و دین تقسیم شود (ناصری سلاوی، ۱۹۵۴، ۲: ۱۹۲). خلیفه چون به اشبیلیه وارد شد، زمین‌ها و املاکی را که در زمان پدرش به‌صورت اقطاع داده شده بود، پس گرفت و به صاحبانش برگرداند، بدین منظور خلیفه، ابابکر محمد بن جد فهری را برای بررسی بیش‌تر فقهی این مساله فراخواند. او دستور داد که صاحبانش را راضی کرده و اموال آن‌ها را برگردانند (اوسی، پیشین، ۴: ۳۵۶).

۲٫۲. گسترش رفاه و توسعه عمران

در روزگار ابویوسف یعقوب منصور، حکومت موحدون به اوج خود رسید و اداره‌ی آن نظم و سامان گرفت و به چنان آسایش و رفاهی دست یافت که نظیر آن در دوران دیگر فرزندان عبدالمومن تکرار نشد (مونس، پیشین، ۲: ۳۵۰). امنیت و آرامش بر سراسر این کشور پهناور حاکم گردید و به دنبال آن برنامه‌های عمرانی نیز شکوفا شد.

۱٫۲٫۲. سیاست اقتصادی

بهبودی شرایط زندگی و سیاست‌های اقتصادی موحدون به مبانی فکری و عقیدتی این دولت ارتباط دارد؛ زیرا هنگامی که ابن تومرت دست به قیام زد، از اولین انتقاد او به مرابطون این بود که آنان را متهم به ایجاد جریمه‌ها و مالیات‌ها و خوردن اموال حرام می‌کرد و بسیاری از آن را خلاف شرع می‌دانست (ابن تومرت، ۱۹۰۳: ۲۶۱). موحدون در دوران شکوفایی در سیاست اقتصادی خود برای اتخاذ یک سیستم مالیاتی واحد تلاش کردند. پایه‌گذار این تحول خلیفه عبدالمومن بود و صرفا بر منابع درآمد شرعی تمرکز کرد و مالیات‌های غیرقانونی بر مردم را لغو کرد (الحلل الموشیة، پیشین: ۲۲). حذف مالیات‌های غیرشرعی موجب افزایش اعتماد مودیان و افزایش

عمل‌کرد مالی و اقتصادی آن‌ها در کار تولید، تجارت و در نتیجه افزایش درآمد دولت می‌شد. منصور نیز به این سیاست پای‌بند بود (عمر موسی، ۱۹۸۶: ۱۷۳). خلیفه در سال ۵۸۱ هـ/ ۱۱۸۵ م، به اصلاحات مالی روی آورد و وزن دینار موحدی را دو برابر کرد. دینار موحدی قدیم در حد وزن قانونی نبود؛ یعنی، مطابق اوزان جدید دو گرم و سی و پنج صدم گرم بود. خلیفه منصور فرمان داد وزن آن را دو برابر کنند و ضراب‌خانه شهر فاس دینار جدیدی به وزن چهار گرم و هفتاد صدم گرم وزن کرد (ابن عذاری، پیشین، ۳: ۱۵۴).

بدون شک، رونق اقتصادی مغرب تا حدود زیادی مرهون همین توجهات بوده است. نحوه‌ی اداره‌ی معاملات و روابط اقتصادی، توسط ماموران اداره‌ی مالی، به شکلی بود که در رشد حرکت اقتصادی شهرهای مغرب، تاثیر مستقیم داشت: فاس، تلمسان، تادلا، سبته، طنجه، مراکش و سوس از مناطق عمده‌ای بودند که رشد اقتصادی عصر موحدون را تجربه کردند. در مغرب، انواع مختلفی از بازارهای دوره‌ای و دایمی برگزار می‌شد. بازارهای دایمی در شهرهای فاس (ابن ابی‌زرع، پیشین: ۷۳)، سبته (انصاری، ۱۹۶۹: ۳۶)، مراکش (عمری، ۲۰۰۲: ۱۳۳ - ۱۳۴) و مکناسه (ابن غازی، ۱۹۹۹: ۱۱ - ۱۵) وجود داشت. از معروف‌ترین بازارهای مراکش، بازار دباغی‌ها بود که در زمینه‌ی تجارت، دباغی و ساخت چرم فعالیت داشته و در کنار باب‌المدینه برگزار می‌شد (ابن عبدون، ۱۹۵۵: ۴۳). با توجه به موقعیت شهر مراکش در مسیرهای تجاری، بازارها و کالاها فراوان بود (مراکشی، پیشین: ۲۳۹؛ ابن صاحب الصلاة، ۱۹۸۷: ۳۹۶) هم‌چنین تعداد بازارهای دایر در سبته و اطراف آن بالغ بر یک‌صد و چهار بازار بود که از این‌ها بیست و چهار بازار داخل شهر و بقیه در حواشی آن بود (انصاری، پیشین: ۸۵) برخی از شهرها دو یا چند بار در هفته بازار به پا می‌کردند و برخی دیگر از شهرستان‌های بزرگ‌تر اغلب ظرفیت و توانایی این را دارند که هر روز باشند (Lévi-Provençal, 1918: 194 – 200).

۲٫۲٫۲. روابط تجاری

در زمان خلیفه منصور روابط تجاری و دیپلماتیک موحدون و دولت‌های اروپایی و به‌طور خاص ایتالیا پایدار بوده و منجر به معاهداتی نیز گشت. این زمان یکی از طولانی‌ترین معاهدات با پیزا در سال ۵۸۲ هـ‌ق/ ۱۱۸۶ م، منعقد شد که مدت آن ۲۵ سال بود. خلیفه در این معاهده تاکید فراوانی بر امنیت و امکان مبادله تجاری و مقابله با دزدی دریایی داشت (عزاوی، ۱۹۹۵: شماره‌ی ۲۵). در این معاهده به پیزایی‌ها حق تجارت، تنها، در چهار مرکز؛ سبته، وهران، بجایا و تونس، داده می‌شد. وجود آن‌ها در مناطق دیگر قلمرو موحدون ممنوع بود، مگر این‌که توفان

آن‌ها را به جایی ببرد. در صورت وقوع چنین اتفاقی، آن‌ها مجاز بـه انجـام هرگونـه تجـارت و حتـی تماس با ساکنان نبودند. یک استثنا این بود که آن‌ها می‌توانستند، کشتی‌های خود را بـرای تعمیـر و یا تدارکات به شهر آلمریا،[1] ببرند. اگر هر پیزایی از این قوانین سرپیچی می‌کرد، در اختیـار دولـت موحـدون قـرار می‌گرفـت. حتـی حمـل هرگونـه مسـلمان در کشـتی پیزایی‌هـا ممنـوع بـود. آن‌هـا نمی‌بایست در مسیر ناوگان‌های موحدون که ممکـن اسـت در دریاهـای آزاد بـا آن رو بـه‌رو شـوند، بایستند (Abulafia, 2010: 255). هم‌چنین در زمان خلیفه منصـور سـفرایی بـا دولـت جنـووا رفت و آمد داشته و تعهداتی منعقد شد (شوب، ۲۰۰۵: ۶۱). جنووایی‌ها کاروان‌سـراهایی در تـونس، بجایا، مهدیه و دیگر شهر هـای مهـم در امتـداد سـاحل شـمالی آفریقـا بـرای تـاجران برپـا کردنـد (Constable, 2003: 126 - 130).

۳٫۲٫۲. توسعه‌ی عمران

در حوزه‌ی اقدامات عمرانی، موحدون در مغرب و انـدلس حرکـت عمرانـی وسـیعی بـا سـاخت تاسیسات و تعمیر آن‌ها آغاز کردند. اکثر خلفـای موحـدون اقـدام بـه سـاخت بناهـای مسـتحکم و رفیع کردند و ذوق خاصی در بنا داشتند که در عجایب سه گانه آن‌هـا؛ یعنـی، مناره‌هـای اشـبیلیه، کتیبه و مسجد حسان منعکس بود (برومند، ۱۴۰۰: ۱۶۵). خلیفه منصور شیفته‌ی کارهای عمرانی بود و در طول دورانش جایی از قصرش یا شهر باقی نماند که تعمیر و سـاخت و سـاز نداشـته باشـد (مراکشی، پیشین: ۱۹۵) خلیفه در ابتدا اقدام بـه سـاختن دیوارهـای شـهر فـاس کـرد کـه در زمـان جدش عبدالمومن بن علی ویران شده بود (جزنایی، ۱۴۱۱: ۴۳). وی هم‌چنین شهری در مجـاورت شهر سلا بنا کرد و نام آن را «مهدیـه» گذاشـت، کـه از بهتـرین و زیبـاترین شـهرها بـود (ابـن اثیـر، ۱۴۱۷، ۱۰: ۱۶۱). ابویعقوب زمانی که به اشبیلیه وارد شد، دستور به سـاختن شـهر ربـاط الفـتح در مغرب در سال ۵۹۳ هـ. داد (ابـن ابـی‌زرع، پیشـین: ۲۲۹) کـه در طـی یک‌سـال هـم دیوارهـای آن ساخته شد (سویسی، ۱۳۹۹ق: ۱۱۴) و هم درهای آن را نصـب کردنـد (ناصـری سـلاوی، ۱۹۵۴، ۲: ۱۹۵).

این شهر از چند منظر اهمیت داشت: ابتدا این‌که بـه‌لحاظ موقعیـت جغرافیـایی، بـین فـاس و مراکش، در بین سرزمین‌های شمال و جنوب و در کنار اقیانوس اطلس اسـتقرار داشـت و نکتـه‌ی دوم این‌که، به‌لحاظ منابع و تجهیز نیروهای نظامی برای جهاد در اندلس اهمیت بسـزایی داشـت.

[1] Almería

رباط الفتح با کوچه‌های وسیع، نقشه و طرح عالی، استحکام ساختمان‌ها و مراکز شهری، شبیه به پلان اسکندریه طراحی شد (عبادی، ۲۰۰۰: ۲۱۵). بخش زیادی از سرمایه و تامین مالی دولت موحدون که به فعالیت‌های عمرانی اختصاص می‌یافت، مربوط به «منابع شرعی» می‌شد که عبارت از: زکات، عشر، خمس فلزات و غنایم بود (پروفنسال، پیشین: ۲۱). با توجه به رویکرد موحدون در ایجاد نبردهای متعدد در اندلس، غنایم به‌عنوان منبع اصلی درآمد حکومت بود (ابن ابی‌زرع، پیشین: ۱۵۲). خراج و اخذ مالیات نیز، بخش دیگر منابع مالی این حکومت به شمار می‌رفت. به این فعالیت‌های عمرانی در زیر اشاره می‌شود:

الف. مساجد: منصور در شهر رباط مسجدی باشکوه با مساحت بزرگ و صحن بسیار وسیع ساخت که در مراکش باشکوه‌تر از آن وجود نداشت. او برای آن مناره‌ی بسیار مرتفعی به شکل مناره اسکندریه ساخت که جز با پلکان نمی‌توان بالای آن رفت. زیبایی‌های این مناره، آن است که با گچ‌بری و آجرکاری و با اشکال حیوانات و گل منقش گشته و بالا رفته است. کار ساختن مسجد در طول مدت حکومت منصور؛ یعنی، تا سال ۵۹۴ به پایان نرسید (مراکشی، ۱۳۹۰: ۱۹۵). خلیفه منصور در بازگشت از آلارک، دستور به ساختن جامع کبیر اشبیلیه داد (اوسی، ۲۰۱۲، ۴: ۴۳۶) که با منارها و سبک خاص معماری متمایز شد. چون آن را به اتمام رساند، در آن‌جا نماز خواند (حمیری، پیشین: ۲۷) خلیفه چون کمبود و کهنگی امکانات مسجد جامع قیروان را مشاهده کرد، دستور داد آن را با منسوجات و فرش‌های اندلسی پوشانده و ترمیم کنند (ابن عذاری پیشین، ۳: ۱۹۱). هم‌چنین منصور دستور بنای جامع اعظم مراکش و ساختن مناره و درهای آن را داد و هزینه‌ی آن را از بخشی غنایم جنگ الارک خرج کرد، در این مسجد یک مقصوره شگفت انگیز با طراحی مهندسی مبتکرانه ساخته شد (منونی، ۱۳۹۷: ۱۰۶). به‌طوری که اگر منصور و وزیرانش در محل نماز مستقر می‌شدند، رویت شده و چون فاصله می‌گرفتند، ناپدید می‌شدند (ناصری سلاوی، پیشین، ۲: ۱۹۶) و این یکی از جلوه‌های منحصربه‌فرد شکوفایی علم مکانیک در مغرب به شمار می‌آید.

ب. مراکز علمی و آموزشی: منصور در سال ۵۹۱ هـ در اشبیلیه با راهنمایی و مشاوره‌ی حکیم ابولیث صقلی و دیگران رصدخانه‌ای ساخت. این رصدخانه اولین رصدخانه‌ای است که در اروپا ساخته شده و منصور الگوهای نجومی را روی خورشید گرفتگی قرار داده است (منونی، پیشین: ۱۰۹). در زمان موحدون، مراکش دومین پایتخت علمی بود، تا جایی‌که بسیاری این شهر را بغداد مغرب می‌نامیدند و هم‌چنین شهرهای سبته و طنجه در این زمره بودند (همان: ۱۶). منصور در نقاط مختلف سرزمین افریقیه، مغرب و اندلس مدارس متعددی بنا نهاد (همان: ۲۰۸).

از جمله‌ی این مدارس، مدرسه مهدیه در مراکش، مدرسه جوفیه در سلا کنار جامع عظیم، که اختصاص به یتیمان داشت و در آن‌جا حدود هزار محصل و ده استاد مشغول بودند (ذهبی، ۱۴۲۷، ۱۵: ۴۳۱). منصور علاوه بر توجه به مراکز درمانی متعدد، هم‌چنین اهتمام ویژه‌ای بر ساختن بیمارستان برای دیوان‌گاه، بیماران، جذامیان و نابینایان داشت و بدین منظور انفاق زیادی خرج کرد (ابن ابی‌زرع، پیشین: ۲۱۸). به‌عنوان مثال سال ۵۸۵ هـ در شهر مراکش بیمارستان معروفی بنا کرد که تا قبل از آن چنین بیمارستانی وجود نداشته است (حمیری، پیشین: ۵۴۱) ساختمانی بسیار زیبا در دشتی وسیع و با نقوش متنوع و دیدنی که آن را تزیین کرده بود. انواع درختان و گیاهان معطر و درختان میوه در اطراف آن کاشتند و جوی‌های متعددی، آب را به همه‌ی اماکن ساختمان می‌رساند و چهار برکه بزرگ در این محل ساختند، که یکی از این برکه‌ها از مرمر سفید بود. فرش‌های رنگین و منسوجات متعدد، هزینه‌های غذا و دارو و برای بیماران لباس‌های مخصوص شب و روز، تابستان و زمستان تهیه کرده بودند. به بیمار پس از بهبودی کامل تا روزی که به زندگی عادی برگردد، هزینه پرداخت می‌کردند، تا با آن زندگی خود را اداره کند و اگر شخصی بسیار ثروت‌مند نیز بود، مال او را برمی‌گردانند و این رسم تنها، مخصوص فقیران مراکش نبود، بلکه هر مریضی حتی از غیر مراکش که به آن‌جا می‌آوردند به همین شکل با او رفتار می‌شد (مراکشی، پیشین: ۱۹۵).

ج. گسترش رفاه: موحدون در دوران شکوفایی از ظرفیت‌های منطقه مغرب برای توسعه‌ی کشاورزی، صنعت و برنامه‌ریزی‌های مختلف اقتصادی استفاده کردند. خلیفه منصور برنامه‌هایی برای احیای زمین‌های کشاورزی تحت تأثیر جنگ‌ها و جلوگیری از مهاجرت در اثر وجود نبردها در آن مناطق داشت. او به صاحبان اصلی زمین‌های کشاورزی دستور داد که به زمین‌های خود بازگردند و آن‌ها را به بهره‌برداری و کشت ترغیب کرد (ابن قطان، پیشین: ۱۷۵). برای رونق و ایجاد مشارکت، حتی خلفای موحدی، زمین‌هایی به‌صورت اقطاع می‌دادند. چنان‌که خلیفه منصور به یکی از بزرگان موحدی به‌نام احمد حاجب در منطقه ابل و یکی از عاملان به‌نام شعبان در اندلس که وی از نژاد غز بود، اقطاع داد که سالانه حدود نه هزار دینار عایدات داشت (مراکشی، پیشین: ۱۹۶) موحدون در این دوره، از استخراج و بهره‌برداری از آب استفاده کردند. آن‌ها روش‌های جدیدی را برای استفاده از آب و آب‌یاری ابداع کردند که پیش از آن‌ها شناخته شده نبود (ابن عذاری، پیشین، ۳: ۱۵۱).

ساختن حوضچه و مخزن‌هایی برای جمع‌آوری و استفاده آب از جمله‌ی این روش‌ها بود. در بالای شهر مراکش، به دستور خلیفه عبدالمومن، دو آب انبار بزرگ ساخته شد. یوسف و منصور

نیز در مکناس، فاس، مراکش و سلا دستور ساخت مخازن آب دادند (الاستبصار، ۱۹۸۶: ۲۱۰، ۱۴۰) انتقال آب از مخازن و قنات‌ها به مناطق شهری و کشاورزی یکی دیگر از بزرگ‌ترین طرح‌هایی است که دولت موحدون در این زمینه اجرا کرد. خلیفه منصور در سال ۵۸۰ هـ‌ق/ ۱۱۸۴ م، دستور انتقال آب از روستای بلیونش،[1] در فاصله‌ی شش مایلی شهر سبته صادر کرد، که آن از طریق قناتی زیر زمین صورت گرفت (منونی، پیشین: ۲۵۲) برای شهر مکناسه نیز از فاصله شش مایلی آب آوردند (الاستبصار، پیشین: ۱۸۸؛ ادریسی، ۱۸۶۶: ۲۴۵) برای شهر سلا از فاصله‌ی بیست مایلی آب انتقال یافت (حمیری، پیشین: ۳۱۹: الاستبصار، همان: ۱۴۰). با توجه به اهتمام و توسعه‌ی کشاورزی، خلفای موحدون سربازان را از عبور زمین‌های زیر کشت در حین حرکت ارتش منع می‌کردند (نویری، پیشین، ۲۴: ۱۷۱). منصور از ابتدای خلافت، همواره به دنبال نظم سیاسی، امنیت و آبادانی راه‌ها و ایجاد آرامش در سرزمین اسلامی بود (حسن، پیشین: ۲۶۹).

[1] Belyounech

نتیجه‌گیری

موحدون از جمله دولت‌های مغرب اسلامی هستند که با حضور خلفای قدرت‌مند و با استقرار در مغرب و اندلس و ایجاد تعاملات پایدار با همسایگان، دوران شکوفایی در قرن ششم هجری رقم زدند. ابویوسف یعقوب ملقب به «المنصور بالله» از مهم‌ترین و قدرت‌مندترین خلفای موحدی محسوب می‌شود. منصور موفق شد ساختار اداری و برنامه‌های عمرانی را در ایجاد نظام دولتی بر مبنای اسلام و مردم با هم ترکیب کند. تشکیلات اداری در دوره‌ی نظام شکل واقعی به خود گرفت که در واقع همان مرحله‌ی استقرار دولت و طبیعی بود که تشکیلات موحدون شاهد تحول و تغییر در ساختار سازمانی و مسؤولیت‌های نهادهای آن باشد. تحول نظام اداری موحدون در دوره‌ی منصور توسط هیئت مشاورانی صورت گرفت که متشکل از فرهیختگان و نخبگان متعدد بودند. در این دوره با حضور وزیران، قاضیان، والیان، محتسب و دیگر جایگاه‌های اداری و دیوانی و نظارت بر کار آن‌ها که توسط خود خلیفه منصور صورت می‌گرفت، تحول اداری مناسبی ایجاد شد. توجه به امور ایالت‌های مختلف و به‌طور خاص در مورد اندلس از دیگر سیاست‌های درست منصور به حساب می‌آید؛ چرا که با توجه به مساله‌ی جهاد با مسیحیان، اداره و کنترل آن مناطق اهمیت زیادی داشت که خلیفه به‌خوبی آن را زیر نظر داشت. نظارت بر خدمات‌رسانی به مردم، بازارها، شکایات و مناسبات داخلی و خارجی سرزمین اسلامی در این دوره به بهترین وجه صورت گرفت. منصور در تمام ایام و دوران حکومتش در اجرای عدالت می‌کوشید و بر حسب توانایی و مقتضیات دستور می‌داد که عدالت برقرار باشد. دوران شکوفایی موحدون منجر به شکل‌گیری تحولات اداری شد، که این امر در نتیجه‌ی برنامه و سیاست‌های متعددی بود که سهم خلیفه منصور در آن بسیار بالا بوده است. وی با اتخاذ سیاست‌های مناسب اقتصادی، باعث رونق و توسعه‌ی تجارت و ارتقای رفاه اجتماعی گردید. خلیفه منصور برنامه‌هایی برای احیای کشاورزی تحت تأثیر جنگ‌ها و جلوگیری از مهاجرت در اثر وجود نبردها در آن مناطق داشت. در حوزه‌ی اقدامات عمرانی، موحدون در مغرب و اندلس حرکت عمرانی وسیعی با ساخت تاسیسات و تعمیر آن‌ها آغاز کردند. خلیفه منصور شیفته‌ی کارهای عمرانی بود و در این مسیر در احداث و بازسازی مساجد، مدارس و مراکز درمانی تلاش بسیاری کرد. ساماندهی منابع درآمد دولت که بیش‌تر تاکید بر منابع شرعی و غنایم جنگی بود، بخشی از خدمات موحدون در دوره‌ی منصور را تامین می‌کرد. دولت موحدون در این زمان، تمدنی پایدار در مغرب و اندلس پایه‌گذاری کردند که آثار آن تا کنون باقی است.

منابع

قرآن کریم

۱. ابن الآبار، محمد بن عبدالله بن ابی‌بکر (۱۴۱۵)، التکمله لکتاب الصله، تحقیق: عبدالسلام الهراس، بیروت، مطبعه دارالفکر.

۲. ابن ابی‌دینار، ابوعبدالله محمد (۱۲۸۶)، المونس فی اخبار افریقیه و تونس، تونس، مطبعه الدوله التونسیه.

۳. ابن ابی‌زرع فاسی، ابوالحسن علی بن عبدالله (۱۴۲۰ق / ۱۹۹۹ م)، الانیس المطرب بروض القرطاس فی اخبار ملوک المغرب و تاریخ مدینه فاس، به‌کوشش عبدالوهاب بن منصور، رباط، المطبعه الملکیه.

۴. ابن اثیر، ابوالحسن علی بن محمد (۱۴۱۷ ق)، الکامل فی التاریخ، تحقیق: عمر عبدالسلام التدمری، بیروت، دار الکتاب العربی.

۵. ابن تومرت، ابوعبدالله محمد (۱۹۰۳)، تعالیق ابن تومرت، با تحقیق؛ گلدزیهر، الجزائر.

۶. ابن خطیب، ابوعبدلله لسان الدین محمد (۱۹۵۶ (الف)، اعمال الاعلام فیمن بویع قبل الاحتلام من ملوک الاسلام، بیروت، مطبعه دارالکتب.

۷. _____ (۱۴۲۴، (ب)، الاحاطه فی اخبار غرناطه، بیروت، دار الکتب العلمیه.

۸. ابن خلدون، عبدالرحمن (۱۴۰۸ ق)، العبر و دیوان المبتداء و الخبر فی تاریخ العرب و البربر و من عاصرهم من ذوی الشان الاکبر، تحقیق: خلیل شحاده، بیروت، مطبعه دارالفکر.

۹. ابن خلکان، ابوالعباس شمس‌الدین احمد [بی‌تا]، وفیات الاعیان و أنباء أبنا الزمان، تحقیق، احسان عباس، بیروت، مطبعه دار صادر.

۱۰. ابن زبیر، ابوجعفر احمد بن ابراهیم (۱۹۳۷)، القسم الاخیر من صلة الصلة، تحقیق، لویی پرونسال، رباط، مطبعه الاقتصادیه.

۱۱. ابن زیات عادلی، ابو یعقوب یوسف بن یحیی (۱۹۵۸)، التشوف فی رجال التصوف، به‌کوشش ادولف فور، رباط.

۱۲. ابن سعید، علی بن موسی (۱۹۸۷)، رایات المبرزین و غایات المیزین، تحقیق، محمد رضوان الدایه، دمشق، دار طلاس.

۱۳. ابن سعید، علی بن موسی (۲۰۱۵)، المغرب فی حلی المغرب، تحقیق، شوقی ضیف، مصر، مطبعه دارالمعارف.
۱۴. ابن صاحب الصلاة، ابو مروان عبدالملک (۱۹۶۴ م)، المن بالامامة علی المستضعفین بأن جعلهم الله أئمة و جعلهم الوارثین، تحقیق، عبدالهادی التازی، بیروت، دارالغرب الاسلامی.
۱۵. ابن عبدون، محمد بن احمد التجیبی (۱۹۵۵)، رساله فی القضاء و الحسبه منشوره ضمن ثلاثه رسائل اندلسیه فی اداب الحسبه و المحتسب، تحقیق لیفی بروفنسال، قاهره، مطبعه المعهد الفرنسی للاثار الشرقیه.
۱۶. ابن عذاری مراکشی، ابوعبدالله محمد (۱۹۶۰ م)، البیان المغرب فی اخبار الاندلس و المغرب، (القسم الموحدی)، ج۳، تحقیق هویسی میراندا به همراهی محمد بن تاویت و محمدابراهیم کتانی، تطوان، سلسله معهد مولای الحسن.
۱۷. ابن غازی، محمد بن محمد العثمانی المکناسی (۱۴۱۲ ق/ ۱۹۹۹ م)، الروض الهتون فی اخبار مکناسه الزیتون، به‌کوشش عبدالوهاب بن منصور، رباط، مطبعه الملکیه.
۱۸. ابن فرهون، برهان‌الدین ابراهیم (۱۳۵۱)، الدیباج المذهب فی معرفه اعیان المذهب، قاهره، مطبعه المعاهد.
۱۹. ابن قطان مراکشی، علی بن محمد (۱۹۹۰م)، نظم الجمان لترتیب ماسلف من اخبار الزمان، تحقیق، محمود علی مکی، بیروت، دارالغرب الاسلامی.
۲۰. أبو رمیله، هشام (۱۴۰۴ ق/ ۱۹۸۴ م)، علاقات الموحدین بالممالك النصرانیة والدول الإسلامیة في الأندلس، اردن، دار الفرقان للنشر والتوزیع.
۲۱. ابوخیل، محمد بن ابراهیم بن صالح (۱۹۱۴)، جهود علماء الاندلس فی الصراع مع النصاری خلال عصری المرابطین و الموحدین (۴۸۳ - ۶۴۰ هـ). سعودیه، دار اصداء المجتمع.
۲۲. ادریسی، محمد بن محمد (۱۸۶۶م)، نزهةالمشتاق، به‌کوشش راینهارت دزی، لیدن.
۲۳. أشباخ، یوسف (۱۴۱۷ ق/ ۱۹۹۶ م)، تاریخ الأندلس في عهد المرابطین والموحدین، ج۱، قاهره، مکتبة الخانجي.
۲۴. الاوسی، ابوعبدالله محمد بن محمدبن عبدالملک الانصاری المراکشی (۲۰۱۲)، الذیل و التکلمه لکتابی الموصول و الصله، تحقیق، بشار عواد معروف، محمد بن شریفه، احسان عباس، تونس: دارالغرب الاسلامی.

۲۵. انصاری، محمد بن قاسم السبتی (۱۹۶۹)، اختصار الاخبار عما کان بثغر سبته من سنی الآثار، رباط، المطبعه الملکیه.
۲۶. پروفنسال، لویی (۱۹۴۱)، مجموعه رسائل موحدیه من انشاء کتاب الدوله المومنیه، رباط الفتح، مطبوعات معهد العلوم العلیا المغربیه.
۲۷. برومند اعلم، عباس (۱۴۰۰)، تاریخ مغرب اسلامی، تهران، سمت.
۲۸. بیذق، ابی‌بکر صنهاجی (۱۹۸۰ م)، اخبار المهدی بن تومرت و بدایه دوله الموحدین، تحقیق، لویی پرونسال، پاریس.
۲۹. تیجانی، ابوعبدالله محمد بن احمد (۱۹۵۸)، رحله التیجانی، تحقیق حسن حسنی عبدالوهاب، تونس، المعطبعه الرسمیه.
۳۰. جزنایی، علی (۱۴۱۱)، جنی زهره الآس فی بناء مدینه فاس، تحقیق، عبدالوهاب بن منصور، رباط، مطبعه المکیه.
۳۱. حسن، حسن علی (۱۹۸۰)، الحضاره الاسلامیه فی المغرب و الاندلس عصر المرابطین و الموحدین، مصر، مکتبه الخانجی.
۳۲. حمیری، ابوعبدالله محمد (۱۹۸۰)، الروض المعطار فی خبر الاقطار، تحقیق، احسان عباس، بیروت، موسسه ناصر للثقافه.
۳۳. ذهبی، شمس‌الدین ابوعبدالله محمد (۱۴۲۷)، سیر اعلام النبلاء، قاهره، مطبعه دار الحدیث.
۳۴. زرکشی، ابی‌عبدالله محمد بن ابراهیم (۱۳۸۶)، تاریخ الدولتین الموحدیه و الحفصیه، تحقیق، محمد ماضور، تونس، المکتبه العتیقه.
۳۵. زرکلی، خیرالدین بن محمود (۲۰۰۲)، الاعلام، [بی‌جا]: دارالعلم للملایین.
۳۶. سالم، عبدالعزیز (۱۹۸۶)، تاریخ مغرب فی العصر الاسلامی، اسکندریه، موسسه شباب الجامعه للمطبعه و النشر و التوزیع.
۳۷. سقطی، ابوعبدالله محمد بن ابی‌محمد مالقی (۱۹۳۱)، اداب الحسبه، تحقیق، ج.س. کولان و لیفی بروفنسال، باریس، دار ایر نیست لرو.
۳۸. سویسی، عبدالله (۱۳۹۹)، تاریخ رباط الفتح، رباط، دار المغرب.
۳۹. شوب، (۱۴۲۶ ق/ ۲۰۰۵ م)، تاریخ تجارة الشعوب اللاتینیة بالبحر المتوسط الي حدود الحروب الصلیبیه، ترجمه‌ی مصطفی نشاط، وجده، مکتبه الطالب.

۴۰. شیزری، عبدالرحمن بن نصر (۱۹۸۱ م)، کتاب نهایه الرتبه فی طلب الحسبه، تحقیق الباز العرینی، بیروت، مطبعه دارالثقافه.

۴۱. صحراوی، عبدالقادر (۱۹۶۱)، جولات فی تاریخ المغرب، مغرب، دارالکتاب، داربیضاء.

۴۲. صلابی، علی محمد [بی‌تا]، دوله الموحدین، عمان، دارالبیارق.

۴۳. عبادی، احمد مختار (۲۰۰۰ م)، صور من حیاة الحرب و الجهاد فی الاندلس، اسکندریه، منشأة المعارف.

۴۴. عزاوی، احمد (۱۴۱۶ ق/ ۱۹۹۵ م)، رسائل موحدیه، القنیطره، منشورات کلیه الاداب.

۴۵. عمر موسی، عزالدین (۱۳۸۱)، دولت موحدون در غرب جهان اسلام، تشکیلات و سازمان‌ها، ترجمه‌ی صادق خورشا، قم، پژوهش‌گاه حوزه و دانشگاه.

۴۶. عمر موسی، عزالدین (۱۹۸۳)، النشاط الاقتصادی فی المغرب الإسلامی خلال القرن السادس الهجری، بیروت، دار الغرب الإسلامی.

۴۷. عنان، محمد عبدالله (۱۳۶۹)، تاریخ دولت اسلامی در اندلس، ترجمه‌ی عبدالمحمد آیتی، ج۲ و ۳ تهران، انتشارات کیهان.

۴۸. عینی، بدرالدین (۱۴۳۱)، عقد الجمان فی تاریخ اهل الزمان، تحقیق، محمود رزق محمود، قاهره، مطبعه دار الکتب و الوثائق القومیه.

۴۹. مراکشی، عبدالواحد (۱۳۹۰)، المعجب فی تلخیص اخبار المغرب، ترجمه‌ی محمد رضا شهیدی پاک، قم، پژوهش‌گاه حوزه و دانشگاه.

۵۰. غبرینی، ابوالعباس احمد بن احمد (۱۳۲۸)، عنوان الدرایه فیمن عرف من علماء المائه السابعه فی بجایه، الجزائر، المطبعه الثعالبیه.

۵۱. مقري تلمساني، أحمد بن محمد (۱۹۶۸)، نفح الطیب من غصن الأندلس الرطیب، تحقیق، إحسان عباس و محمد محیی‌الدین عبدالحمید، بیروت، دار صادر.

۵۲. مکناسی، احمد بن قاضی (۱۳۹۳)، جذوه الاقتباس فی ذکر من حل من الاعلام بمدینه فاس، رباط، دار المنصور.

۵۳. ملین، محمد رشید (۱۴۱۶)، عصر المنصور الموحدی «حیاة السیاسیة و الفکریة و الدینیة فی المغرب»، رباط، المطبعه الملکیه.

۵۴. منونی، محمد (۱۳۹۷)، العلوم و الآداب و الفنون علی عهد الموحدین، رباط، مطبعه دار المغرب.

۵۵. مونس، حسین (۱۳۸۴)، تاریخ و تمدن مغرب، ترجمه‌ی حمیدرضا شیخی، ج ۲، تهران، سمت.

۵۶. ناشناس (۱۹۷۹ م)، الحلل الموشية فی ذکر الأخبار المراکشية، تحقیق سهیل زکار، مغرب، مطبعه الدار البیضاء.

۵۷. ناشناس (۱۹۸۵م)، الاستبصار فی عجائب الامصار، تحقیق سعد زغلول عبدالحمید، مغرب، مطبعه الدار البیضاء.

۵۸. ناصری السلاوی، شهاب‌الدین احمد بن خالد (۱۹۵۴م)، الاستقصاء لاخبار دول المغرب الاقصی، به کوشش جعفر الناصری، جلد دوم، مغرب، دارالکتاب، داربیضاء.

۵۹. ناصری طاهری، عبدالله (۱۳۸۸)، مقدمه‌ای بر تاریخ مغرب اسلامی، قم، پژوهش‌گاه حوزه و دانشگاه.

۶۰. نجار، لیلی أحمد (۱۴۰۹ ق/ ۱۹۸۹ م)، المغرب والأندلس في عهد المنصور الموحدي دراسة تاريخية و حضارية ۵۸۰ - ۵۸۵ ق/ ۱۱۸۴ - ۱۱۹۸ م، بحث مقدم لنيل درجة الدكتوراه في التاريخ الإسلامي، إشراف الدكتور أحمد السيد دملاج، ق۱، جامعة أم القرى، مكة المكرمة.

۶۱. نویری، شهاب‌الدین احمد بن عبدالوهاب [بی‌تا]، نهایه الارب فی فنون الادب، بیروت، مطبعه دارالکتب العلمیه.

۶۲. ونشریسی، احمد بن یحیی (۱۹۸۱)، المعیار المعرب و الجامع المغرب عن فتاوی علماء افریقیه و الاندلس و المغرب، اشراف، محمد حجی و اخرون، بیروت، مطبعه دارالغرب الاسلامی.

۶۳. یحیی بن عمر (۱۹۷۵)، النظر فی احکام السوق، تحقیق حسن حسنی عبدالوهاب، تونس، راجعه فرحات الدشراوی.

64. Abulafia, David (2010), "Christian merchants in the Almohad cities", *Journal of Medieval Iberian Studies*, Vol. 2, No. 2, June, (251–257).

65. Constable, Olivia Remie (2003), *Housing the Stranger in the Mediterranean World: Lodging, Trade and Travel in Late Antiquity and the Middle Ages. Cambridge*, Cambridge University, Press.

66. Levi-Provencal, E. (ed.) (1928). *Documents inedits d'histoire almohade,* Paris. (Includes the Kitab al Ansab,

letters by Ibn Tumart and Abd al Mumin and Ibn Tumart's biography by al-Baydhaq).

67. New York, 1996).

Lévi-Provençal E. (1918),'Pratiques agricoles et fêtes saisonnières des tribus Djebalah de la vallée moyenne de l'Ouargha', *Bulletin Archéologiqu*